

وضعیت کارگران در اراضی اشغالی اعراب (قسمت اول)

گزارش مدیرکل دفتر
بین المللی کار ژنو

یکصد و سومین
اجلاس کنفرانس
بین المللی کار - ۲۰۱۴



کار و جامعه

پیش گفتار

مطابق با اختیارات تفویض شده از طرف کنفرانس بین المللی کار، اینجانب در سال جاری نیز هیأتی را برای تهیه گزارش پیرامون وضعیت کارگران اراضی اشغالی کشورهای عربی به منطقه اعزام نمودم. هیأت اعزامی از کرانه غربی و اورشلیم شرقی، غزه، سرزمین های اشغالی و جولان اشغالی در مرز سوریه بازدید نمود. هیأت مذکور همچنین با دبیر کل اتحادیه کشورهای عربی و مدیر کل سازمان کار اعراب در قاهره مصر دیدار کرد. طبق روال سه سال گذشته، امکان بازدید از جمهوری عربی سوریه میسر نگردید.

هیأت اعزامی با نمایندگان مقامات فلسطینی، اسرائیل، تشکل های کارفرمایی و کارگری در فلسطین و اسرائیل، شهروندان سوری جولان اشغالی در سوریه و نمایندگان سازمان ملل و سازمان های بین المللی و غیر دولتی به تفصیل به بحث و گفتگو پرداخت. همه مقامات و نمایندگان مذکور، اطلاعاتی را جهت تهیه این گزارش ارائه نمودند. همچنین بازدیدهای میدانی توسط هیأت اعزامی صورت پذیرفت.

اینجانب از همکاری و مساعدت تمامی طرف های مورد گفتگو و مصاحبه شونده که بار دیگر مُهر تأییدی بر حمایت همه جانبه از ارزش های سازمان بین المللی کار است، عمیقاً سپاسگزارم. هیأت اعزامی همچون گذشته، کار خود را با هدف ارزیابی جامع، دقیق و بیطرف از وضعیت موجود کارگران در اراضی اشغالی اعراب به انجام رساند.

ماموریت امسال در برهه بسیار حساس انجام مذاکرات صلح به رهبری جان کری وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا صورت پذیرفت. در گزارش، به بدبینی ناشی از عدم دستیابی به هر گونه نتیجه در جدیدترین مرحله روند صلح اشاره شده است. شایان ذکر است درحالی که مذاکرات صلح به پایان رسیده، فعالیت های شهرک سازی و اسکان

شدت گرفته، خشونت به ویژه در کرانه غربی افزایش یافته و هیچیک از وعده‌ها برای پیشرفت‌های اقتصادی محقق نشده است.

این وضعیت ما را به طرح پرسش‌های جدی رهنمون می‌شود: آیا روند صلح محتوم به شکست است یا همچنان به عنوان یک راه حل پایدار برای دو کشور امکانپذیر است؟ آیا تعهدات پیمان اسلو هنوز به قوت خود باقی است یا اسرائیل و فلسطین با طرح گزینه‌هایی که به دشواری قابل حل و فصل بوده و هدف آن حق حاکمیت، اراده مستقل، توسعه متوازن اقتصادی و عدالت اجتماعی است، به سوی آبهای ناشناخته و پرتلاطم پیش می‌روند؟ هنوز برای مشاهده آثار واقعی توافق در داخل اراضی فلسطینی مورخ ۲۳ آوریل ۲۰۱۴ جا بسیار است اما بی شک زمانی فرا خواهد رسید که نشانه‌های حرکت به سوی وحدت فلسطینی به شدت احساس خواهد شد.

در طول ۱۲ ماه گذشته، نرخ رشد فلسطین بیش از پیش سیر نزولی داشته در حالی که بیکاری عمومی نیز همچنان رو به افزایش است. چنانچه محدودیت‌های گوناگون اعمال شده بر فعالیت‌های اقتصادی و ناشی از اشغالگری برطرف نگردد، هیچگونه بهبود پایداری در وضعیت کارگران و کارآفرینان فلسطینی مورد انتظار نخواهد بود.

به حق می‌توان در مورد غزه ابراز نگرانی عمیق کرد چرا که انتظار می‌رفت تحولات به بهبود وضعیت منجر شود اما اکنون عکس این موضوع صادق است. آتش بس فراگیر و موثر و نیز تعطیلی کسب و کارهای موسوم به تونلی در گذرگاه‌های مرز غزه، به کاهش محاصره منجر نشده است. در این گزارش، از غزه به یک "جعبه باروت" تشبیه شده که کوچک‌ترین جرقه می‌تواند آتش آن را شعله‌ور کند، آتشی که مهار آن فوق‌العاده دشوار است. تحت این شرایط، اقدامات اضطراری مورد نیاز است تا امکان آمد و شد افراد و نقل و انتقال کالاها فراهم و به یکی از پرجمعیت‌ترین نقاط دنیا یاری شود. در حالی که چهار پنجم مردم وابسته به کمک‌های بشردوستانه هستند و فعالیت‌های اقتصادی منطقه فلج شده است، دستیابی به کار شایسته خواب و خیالی دست نیافتنی بیش نیست.

در این گزارش همچنین بر شرایط متفاوت کارگران فلسطینی در اسرائیل و در شهرک‌ها تمرکز شده است. تعداد کارگران به خصوص در خارج از مجاری قانونی به شدت رشد نشان می‌دهد. خطر فزاینده استثمار کارگران فلسطینی از سوی واسطه‌ها و کارفرمایان بی‌توجه به ضوابط و قانون به چشم می‌خورد. البته این موضوع نیازمند توجه و شفاف‌سازی بیشتر است چرا که فقدان اطلاعات موثق به شدت احساس می‌شود و هر گونه اقدام یا عدم اقدام بر اساس برداشت‌ها یا شواهد متکی به گفته‌ها و نقل قول‌ها خواهد بود.

با وجود تنگناهای شدید برای ساختن نهادهای فلسطینی، اراده دولت فلسطین و شرکای اجتماعی به تقویت ابعاد اجتماعی و همکاری‌های سه‌جانبه همچنان با قدرت پا برجاست. برنامه کار شایسته فلسطینی که اخیراً به تصویب رسید، بر حاکمیت بهینه بازار کار و حقوق کار، ارتقاء اشتغال و معیشت زنان و مردان و گسترش حمایت‌های اجتماعی برای همه هدفگذاری شده است.

اما چالش‌های جدی همچنان وجود دارد. از این بین می‌توان به موضوع اجرای مؤثرتر حداقل دستمزدها، اصلاح قانون کار و تامین اجتماعی در راستای استانداردهای بین‌المللی کار و ارتقای اشتغال جوانان اشاره نمود. یکی از دغدغه‌های همیشگی موضوع نرخ پایین مشارکت زنان در قالب نیروی کار فلسطینی است که اکنون به نظر می‌رسد با کاهش حضور زنان در کسوت تصمیم‌گیری دوچندان شده است. از اینرو لازم است اقدامات حمایتی از توانمندسازی بانوان به دقت طراحی و پایش شود تا از برخورداری از اینگونه حمایت‌ها توسط همه گروه‌های زنان و تحقق پیشرفت‌های ملموس اطمینان حاصل شود.

سازمان بین‌المللی کار همچون گذشته خود را به ساختن کشور مستقل فلسطینی با بُعد اجتماعی کارآمد، قویاً متعهد و مسئول می‌داند.

گای رایدر

می ۲۰۱۴

مقدمه

مطابق با قطعنامه مربوط به پیامدهای ناشی از شهرک سازی اسرائیل در فلسطین و دیگر اراضی اشغالی اعراب در رابطه با وضعیت کارگران عرب، مصوب شصت و ششمین اجلاس کنفرانس بین المللی کار در سال ۱۹۸۰، مدیرکل بار دیگر طی سال جاری، هیأتی را به اسرائیل و اراضی اشغالی اعراب، و نیز به مصر اعزام نمود تا سرحد امکان ارزیابی کاملی از وضعیت کارگران اراضی اشغالی اعراب به عمل آورند. هیأت مذکور همچون سنوات گذشته تلاش نمود اطلاعاتی را در خصوص وضعیت کارگران اراضی اشغالی فلسطینی (کرانه غربی، شامل بخش شرقی اورشلیم و غزه) و منطقه اشغالی جولان سوریه گردآوری نموده و مورد ارزیابی قرار دهد.

از جمله اسناد راهنمای نمایندگان اعزامی مدیرکل می توان به اصول و اهداف مندرج در اساسنامه سازمان بین المللی کار، بیانیه فیلادلفیا و نیز بیانیه سازمان بین المللی کار در خصوص اصول و حقوق بنیادین کار و بیانیه سازمان بین المللی کار در زمینه عدالت اجتماعی برای جهانی شدن عادلانه اشاره کرد. نمایندگان همچنین قطعنامه ها و مصوبات کنفرانس بین المللی کار و نیز اصول مصرح در استانداردهای بین المللی مرتبط با کار و اصول اعلام شده از سوی نهادهای نظارتی سازمان بین المللی کار را سرلوحه کار خود قرار داده اند.

نمایندگان مدیرکل در جریان بررسی کلیه موضوعات مربوطه، چه در طول مأموریت و نیز هنگام تهیه این گزارش، استانداردهای مرتبط در زمینه قوانین بین المللی حقوق انسانی و بشردوستانه به ویژه مقاله نامه مصوب ۱۹۰۷ لاهه در خصوص قوانین و آداب جنگ های زمینی و چهارمین مقاله نامه ژنو مصوب ۱۹۴۹ در خصوص حفاظت از افراد غیر نظامی در زمان جنگ را همچون همیشه مد نظر داشته اند. در این مأموریت، مصوبات مربوطه مجمع عمومی سازمان ملل و شورای امنیت از جمله قطعنامه های شماره ۲۴۲ شورای امنیت مصوب ۱۹۶۷، ۳۳۸ مصوب ۱۹۷۳، ۴۹۷ مصوب ۱۹۸۱، ۱۳۹۷ مصوب سال ۲۰۰۲، ۱۵۱۵ مصوب ۲۰۰۳، ۱۸۵۰ مصوب ۲۰۰۸ و قطعنامه شماره ۱۸۶۰ مصوب سال ۲۰۰۹ مورد عنایت قرار گرفته است. همچنین دیدگاه مشورتی دیوان بین المللی دادگستری، لاهه، در تاریخ ۹ جولای ۲۰۰۴ مورد توجه بوده است.

مدیرکل، آقای کاری تاپیولا را به عنوان نماینده ویژه خود، طارق حق، اقتصاددان از دفتر سیاست های اشتغال، مارتین اولز کارشناس حقوقی از دفتر شرایط کار و برابری و شونا اولنی رییس امور زنان، تساوی و تنوع های قومی را برای اعزام به اسرائیل و اراضی اشغالی اعراب از ۱۹ تا ۲۸ مارس ۲۰۱۴ موظف نمود. مونیر کلیبو نماینده سازمان بین المللی کار در اورشلیم، و رشا الشرفا کارشناس برنامه ریزی در دفتر نماینده سازمان بین المللی کار در اورشلیم، مسئولیت تهیه مقدمات این مأموریت را به عنوان اعضای اصلی هیأت عهده دار گردیدند.

نماینده ویژه مدیرکل در تاریخ ۹ آوریل به قاهره سفر نمود تا با اتحادیه کشورهای عربی و سازمان کار اعراب مشورت نماید. به دلیل محدودیت های امنیتی سازمان ملل و ادامه وضعیت موجود از سال ۲۰۱۲ به این سو، وی موفق نشد برای مشورت با دولت سوریه و سازمان های کارگری و کارفرمایی این کشور به جمهوری عربی سوریه سفر نماید. در طول مأموریت، نمایندگان مدیرکل مذاکرات متعددی با طرف های اسرائیلی و فلسطینی و نیز افرادی از منطقه اشغالی جولان سوریه به عمل آوردند. آنان با نمایندگان وزارتخانه ها و موسسات گوناگون دولت فلسطینی و دولت اسرائیل، تشکل های کارگری و کارفرمایی فلسطینی و اسرائیلی، سازمان های غیر دولتی، موسسات پژوهشی و رهبران مردمی ملاقات نمودند. هیأت اعزامی همچنین با نمایندگان سازمان ملل و دیگر سازمان های بین المللی طرف شور و مشورت قرار گرفت. مدیرکل بسیار خرسند است که بار دیگر نمایندگان وی برای کسب اطلاعات واقعی مورد نظر گزارش حاضر از همکاری و مساعدت همه جانبه تمامی طرف ها از اعراب و اسرائیل برخوردار شده اند. ضمن تشکر، مراتب وصول اطلاعات مکتوب توسط هیأت اعزامی اعلام می گردد.

در گزارش حاضر، کلیه اطلاعات کتبی و شفاهی دریافتی هیأت اعزامی در محل و نیز داده ها، مطالعات و بررسی ها و گزارش های موجود در حوزه عمومی مورد توجه و استفاده قرار گرفته است. اطلاعات اکتسابی در خلال مصاحبه ها با افراد گوناگون به نحو کامل و جامع مورد بررسی قرار گرفته و تا سرحد امکان با سایر اطلاعات موجود راستی آزمایی شده است. در بررسی وضعیت فلسطینیان و دیگر کارگران عرب، اعضای هیأت اعزامی کار خود را در کمال بیطرفی و به طور عینی انجام داده اند.

پیش به سوی شکست مذاکرات؟

از زمان اعزام هیأت به مناطق اشغالی اعراب و اسرائیل در سال ۲۰۱۳، به نظر می رسد که ابتکار صلح به رهبری جان کری وزیر امور خارجه آمریکا روزنه امیدی برای تحولی مثبت باشد. قرار بود مذاکرات یکبار دیگر در زمینه مسائل سیاسی و امنیتی و نیز چشم اندازهای اقتصادی و همکاری های تجاری، موضوع اشتغال و درآمد زایی انجام شود. اما در هنگام اعزام هیأت در سال جاری، این امیدها به سرعت ضعیف و ضعیف تر شد تا جایی که به دلایل گوناگون رهبران اسرائیلی و فلسطینی با این پرسش جدی مواجه شدند که آیا اصولا مذاکرات حاصلی داشته است. آزادی چهارمین گروه زندانیان فلسطینی از سوی اسرائیل ناامید کننده بود. پریزدنت عباس تلاش می کرد فلسطینیان از امتیازات تعدادی از میثاق های بین المللی برخوردار شوند. گسترش شهرک سازی های اسرائیل در اورشلیم شرقی وضعیت را وخیم تر کرد. چشم انداز منع دریافت مالیات های تکلیفی فلسطینیان از سوی اسرائیل بار دیگر مطرح شد. در زمان نگارش این گزارش، روند مذاکرات تقریباً به پایان

رسیده بود.

در سال ۲۰۱۲، مجمع عمومی سازمان ملل جایگاه کشور ناظر غیر عضو را به فلسطین اعطا نمود. در آوریل ۲۰۱۴، الحاق فلسطین به تعدادی از میثاق های بین المللی به ثبت رسید. این میثاق ها موضوع حقوق بشر وقوانین بشردوستانه بین المللی، روابط دیپلماتیک و کنسولی، قانون میثاق ها و پیمان ها، و اقدامات مبارزه با فساد را پوشش می دهند.

در طول دو دهه پس از پیمان اسلو، روند صلح هرگز مسیر مستقیمی را به جلو طی ننموده است. این روند با فراز و نشیب ها، چالش های جدی و آشفتگی های داخلی و خارجی روبرو بوده است. اما به ندرت وضعیتی این چنین پیش آمده است که حمایت های خارجی تا این حد محدود شود. کشورهای همسایه با چالش های داخلی خود روبرو هستند و مرحله بعدی بهار عربی را به دقت دنبال می کنند. اکنون رهبران دنیا درگیر چندین موضوع مختلف هستند. همینطور در تعهدات کشورهای اهدا کننده کمک با شکست جدی روبرو هستیم گرچه حمایت از کمک های بشردوستانه همچنان جریان خود را طی می کند. در طول نُه ماه اخیر، روند صلح بر اساس ابتکار سازمان ملل پیش می رود. اما اگر همه طرف های درگیر برای حفظ و تداوم این روند راه هایی را جستجو نکنند، بار دیگر شاهد خواهیم بود که این روند در مسیری نامطمئن به بیراهه خواهد رفت.

محتمل ترین برون داد یک روند صلح ناکارآمد و غیر فعال، تداوم وضعیت موجود است. اما باید بدانیم که وضعیت این چنین نخواهد ماند، بلکه یکپارچه سازی هر چه بیشتر شهرک سازی ها و انضمام اقتصاد فلسطینیان با اسرائیل را شاهد خواهیم بود، وضعیتی که کارآفرینان و کارگران فلسطینی در بهترین وضعیت، شرکای دون پایه اسرائیل خواهند بود؛ شرایطی که در آن دورنمای دستیابی به راه حل واقعی برای دو کشور تیره و تار خواهد بود.

فضای کمی برای مانور بین گزینه های تشکیل یک کشور یا دو کشور در فلسطین وجود دارد. در حالی که به نظر می رسد گزینه ایجاد دو کشور در محدوده زمین با شکست مواجه شده، گزینه مربوط به حضور فلسطین در صحنه بین الملل به وضوح در حال تقویت است. فشار فزاینده بر اسرائیل با تحریم محصولات شهرک های اسرائیلی همراه بوده است. اما هنوز بسیار غیر محتمل است که در آینده ای نزدیک، بهبود جدی وضعیت موجود را شاهد باشیم. پیشرفت به نحوی از انحاء یک سناریوی خوشبینانه اما آکنده از دوقطبی شدن، سخت گیری های سیاسی و فقدان حمایت موثر از طرف شرکای خارجی است. پس منطقی تر است پیش بینی کنیم که شرایط موجود به صورت واقعیت های موازی ادامه خواهد یافت البته این ریسک هم وجود دارد که چنین واقعیت هایی بیش از پیش از یکدیگر فاصله بگیرند.

غزه در شرف فلج کامل

درست زمانی که تصور نمی شود، وضعیت اقتصادی و اجتماعی در غزه رو به وخامت است. عدم امنیت غذایی حدود ۶۰ درصد است، و ۸۰ درصد اهالی غزه به کمک های بشر دوستانه وابسته هستند. تجارت تونلی و گذرگاهی برای چندین سال نه فقط محرک توسعه اقتصادی در غزه بلکه منحرف کننده این توسعه نیز بوده است. این تجارت با ماهیتی از نوع بازار سیاه، راه معاش مردم غزه و مقامات کنونی منطقه به شمار می رفت که خارج از هر گونه استاندارد کار شایسته یا مبادلات قانونمند اقتصادی بود.

بازگشایی گذرگاه ها به سوی اسرائیل و تسهیل رفت و آمد مردم و کالاها بخشی از توافق آتش بس نوامبر ۲۰۱۲ به شمار می رفت. پس از تحولات جولای ۲۰۱۳ در مصر، همه تونل ها بسته شدند، اما هنوز کاهش قابل لمس کنترل و محدودیت ها از سوی اسرائیل مشاهده نمی شد. هم اکنون جابجایی اندک کالاها از طریق گذرگاه های عادی نسبت به زمان استفاده

از تونل ها در مقیاس وسیع آن به چشم می خورد.

عجیب آن است که هر گاه خشونت کمتری در داخل و اطراف غزه وجود دارد، وضعیت کمک های بشردوستانه هم بدتر می شود. کاهش درگیری ها، به جای بهبود شرایط با تنگ تر شدن حلقه محاصره همراه است. غزه حتی امروزه بیش از گذشته در تنگنا قرار داشته و خطر انفجار اجتماعی همواره وجود دارد. با چنین جعبه باروتی، یک جرقه کوچک می تواند آتشی غیر قابل مهار را شعله ور سازد. مقامات کنونی غزه بیش از پیش از نظر سیاسی و اقتصادی منزوی شده اند، به همین دلیل موضوع سازش و آشتی فلسطینیان بیشتر مورد تاکید قرار می گیرد. توافق ۲۳ آوریل ۲۰۱۴ بین دو طرف مناقشه، به اکثر موضوعات متنازع فیه از جمله استقرار یک دولت وحدت موقت و انجام انتخابات پس از آن می پردازد. تحقق وعده های این توافقنامه می توانست مانع جدی بر سر راه بهبود زندگی زنان و مردان فلسطینی را از میان بردارد.

تشدید اشغالگری در کرانه غربی

از سرگیری و شدت یافتن فعالیت شهرک سازی، عامل تهدیدآمیز سیاسی و روانشناختی در کرانه غربی و بخش شرقی اورشلیم است. در طول سال گذشته، ساخت و ساز شهرک ها بیش از دوبرابر و طرح های عمرانی بیشتر از سوی دولت اسرائیل اعلام شده است. با تکمیل این طرح ها، اورشلیم شرقی از مابقی کرانه غربی جدا خواهد شد و بدین ترتیب یکپارچگی ارضی لازم برای دولت پایدار فلسطینی از بین خواهد رفت. شهرک سازی ها در محلات فلسطینی در اورشلیم شرقی ادامه خواهد یافت و برای نخستین بار از سال ۱۹۸۰، اسرائیل مجوز ساخت شهرک جدیدی در شهر تحت فشار و دو پاره شده هیرون را خواهد یافت.

در کرانه غربی آزادی رفت و آمد بیشتری وجود دارد اما موارد وقوع خشونت افزایش یافته است. برای اولین بار، تعداد تلفات در

از نظر سهم آن در تولید ناخالص داخلی، سطح زیر کشت و کاشت محصولات رو به وخامت است. اما این جای تعجب ندارد چرا که حتی حمل و نقل توت فرنگی از غزه به کرانه غربی به دلایل امنیتی با استیصال همراه است.

در خصوص کاهش اشتغالگری در منطقه C که ۶۰ درصد کرانه غربی را در برمی گیرد هیچگونه پیشرفتی حاصل نشده است. اکثر شهرک نشینان اسرائیلی در این منطقه سکونت دارند و زمین های بیشتری به آنان اختصاص می یابد در حالی که فقط سهم بسیار ناچیزی از زمین برای عمران و سازندگی فلسطینیان مهیا است. عدم دسترسی به زمین در منطقه C مانع از توسعه مناطق A و B تحت نظارت فلسطینیان می شود.

ساخت و ساز از طرف فلسطینیان با وجود عدم صدور مجوزهای لازم انجام می شود. تخریب منازل و ساختار های اقتصادی آنان رو به افزایش است. این تخریب ها در سال ۲۰۱۳ تا حدود ۱۰ درصد نسبت به سال قبل از آن رشد نشان می دهد. تخریب ها در شرق اورشلیم عملاً دوبرابر شده است.

مخاطرات برای کارگران فلسطینی در اقتصاد اسرائیلی

در سایه تیره چشم اندازهای اقتصادی ناموفق و شکست خورده، که ضرورتاً با اشتغالگری و طرح ایجاد دیوار حائل زیر فشار مضاعفی قرار دارد، شرایط اشتغال و کار فلسطینیان در اسرائیل و اقتصاد تحت سیطره اسرائیل به موضوع بیش از پیش مهم و اضطراری برای فلسطینیان تبدیل شده است. در حال حاضر اقتصاد فلسطین نمی تواند شغل کافی برای جمعیت این کشور ایجاد کند. در مجموع، ۱۰۰۰۰۰ فلسطینی با یا بدون مجوز در اقتصاد اسرائیل مشغول به کار هستند. برخی از کارفرمایان اسرائیلی به استفاده از نیروی کار وارداتی از چین یا دیگر نقاط جهان وسوسه شده اند، هر چند کارفرمایان رسمی و اتحادیه های کارگری در اسرائیل از اشتغال بیشتر کارگران فلسطینی در اقتصاد اسرائیل طرفداری می کنند. در حال حاضر به منظور تسهیل دریافت مجوزهای کار، گفتگو بین اتحادیه های کارگری فلسطینی و Histardut به عنوان همتای اسرائیلی و طرف مذاکره اتحادیه در جریان است.

در حالی که گفته می شود حداقل دستمزد تعیین شده برای یک فلسطینی ۱۴۵۰ شیکل (واحد جدید پول اسرائیل) در ماه از سوی چهار پنجم بخش اقتصاد رسمی رعایت می شود، حداقل دستمزد کار در بخش ساخت و ساز اسرائیل، ۴۳۰۰ شیکل و بیشتر تعیین شده است. علاوه بر کار در اسرائیل، چشم انداز اشتغال در شهرک ها، حتی اگر با مخاطره و سوء استفاده های بالقوه همراه باشد، حاکی از مشاغل با دستمزدهای بالاتر یا حداقل نوعی کار واقعی است.

در طول سال گذشته، تعداد فلسطینیان شاغل در حوزه اقتصاد اسرائیل با افزایش ۱۹/۶ درصدی روبرو بوده است. این نرخ رشد به

کرانه غربی از موارد مشابه در غزه پیشی گرفته است. اعمال خشونت آمیز از هر دو طرف صادر می شود اما به خصوص رشد خشونت در بین اهالی شهرک ها دیده می شود، به ویژه زمانی که افراد به دلیل اختلافات ایدئولوژیکی تحریک می شوند و خود را در اعماق سرزمین اشغالی فلسطین می بینند. نگرانی های جدی وجود دارد که اشتغالگری و فعالیت های شهرک سازی به گسترش فرهنگ خطرناک مصونیت از مجازات منجر شود.

محدودیت های توسعه ای تحت شرایط اشتغال به طور جدی در قالب ابتکارات و اقدامات اقتصادی بخش خصوصی فلسطین و جامعه بین الملل مورد آزمایش قرار می گیرد. هدف از انجام ابتکار آمریکا، تسریع تحولات سیاسی، امنیتی و اقتصادی بود. اما این ابتکار بدون هر گونه پیشرفت سیاسی و امنیتی، دستیابی به نتایج قابل توجه در چارچوب های اقتصادی ترسیم شده در این ابتکار را غیر واقع بینانه جلوه می دهد. بخش خصوصی همچنان به انجام پروژه های خاصی چون پارک آبی و مرکز تفریحات جریکو، نیروگاه در جنین، و پروژه ساخت مسکن در حوالی اورشلیم که مجوز آن در سال ۲۰۰۰ صادر شده است، ادامه خواهد داد.

نمونه ای از بارقه های امید و پایداری را می توان در منطقه روایی سراخ گرفت. این محل، کارگاه ساخت و ساز و عمران کل اهالی با پیش بینی مراکز تجاری و مسکن مدرن و ارزان برای ۲۵۰۰۰ نفر سکنه است که همراه با شرکای قطری در شمال رام الله در حال ساخت است. از نکته های قابل ذکر در مورد روایی، پرچم بزرگ فلسطینی است که در بالای تپه و در مقابل یک ردیف شهرک های مزین به پرچم اسرائیل در تپه های اطراف قد برافراشته است. نقشه ها و کار ساخت و ساز در روایی بسیار تأثیرگذار است. اما واقعیت این است که جاده منتهی به روایی هنوز یک مجوز موقت یک ساله دارد و عرض جاده تا بدین جا نیز از مقدار مجاز اعلام شده از طرف مقامات سرزمین های اشغالی تجاوز کرده و موضوع تامین آب برای مجتمع جدید هنوز حل و فصل نشده است. این یک اقدام از نوع فلسطینی است و در حالی که یک ساختمان مجزا یا یک اردوگاه کوچک به سادگی قابل تخریب است، تخریب یک پروژه ساختمانی چند ملیتی یک میلیارد دلاری دشوار تر به نظر می رسد.

رهبران بخش خصوصی فلسطین نسبت به پیشرفت ابتکارات اقتصادی بین المللی و حمایت های ناکافی سیاستی از سوی دولت فلسطینی اظهار ناامیدی می کنند. وضعیت وخیم اقتصادی اجازه امیدواری به کاهش مالیات ها یا دیگر اقدامات برای شکوفایی سرمایه گذاری و ایجاد اشتغال را نمی دهد. در حالی که در گذشته پرسش مردم این بود که با وجود اشتغالگری چه می توان کرد، اکنون به نظر می رسد که با وجود اشتغالگری، همه پذیرفته اند اصولاً کار چندانی متصور نیست. اطلاعات موجود نشان می دهد که حتی در بخش کشاورزی، وضعیت

وضوح از تعداد مجوزهای اعطاء یا استفاده شده فراتر رفته است. بنابراین می توان اینگونه نتیجه گرفت که رشد قابل توجهی در تعداد کارگران فلسطینی شاغل در خارج از نظام رسمی صدور مجوز کار و در نتیجه حمایت های کمتری تجربه شده است که می تواند کارگران را در معرض روش های استثمارگرانه در امر اشتغال قرار دهد. اطلاعات دقیق و شفاف در زمینه این طرز برخورد و ساز و کارهای اشتغال از جمله نقش واسطه ها به راحتی در اختیار قرار نمی گیرد.

به نظر می رسد که قانون کار و بازرسی کار اسرائیل به شهرک ها هم رسیده است. این می تواند به معنای بهبود واقعی وضعیت فلسطینیان شاغل در اینگونه شهرک ها باشد اما در عین حال به انضمام و یکپارچه سازی هر چه بیشتر شهرک ها درون قلمرو اجتماعی و اقتصادی اسرائیل نیز کمک خواهد کرد.

ایجاد نهاد فلسطینی در فضای تردید

دولت فلسطینی به رغم محدودیت های ناشی از اشغالگری و شرایط متزلزل سیاسی در ارتباط با روند صلح، به تلاش های خود برای ایجاد نهادهای کشور فلسطین ادامه داده است. توسعه و تفویض سیاست ها و برنامه های ارائه شده در راستای ایجاد فرصت های اشتغال و تأمین حمایت های اجتماعی برای مردان و زنان کارگر و از جمله جوانان فلسطینی، به ویژه در شرایط افول شاخص های اجتماعی-اقتصادی بیش از گذشته اهمیت یافته است.

صرف نظر از تحولات انجام شده در بافت سیاسی، لازم است حقوق بنیادین و نیازهای اساسی کارگران فلسطینی و خانواده های آنان مد نظر قرار گیرد. در برنامه جدید توسعه ملی فلسطین برای دوره ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ و راهبرد بخش کار این کشور، یک برنامه مناسب و بلند پروازانه در این خصوص پیش بینی شده است. از طریق چارچوب برنامه کار شایسته فلسطین که به تازگی برای دوره ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۶ تدوین شده است، سازمان بین المللی کار به حمایت از دولت فلسطینی و شرکای اجتماعی ادامه خواهد داد. در عین حال، دورنمای قابل قبول صلح و تلاش برای پرکردن شکاف درون فلسطین، برای تداوم روند ایجاد نهادهای پایدار فلسطینی ضروری هستند.

رقابت با دنیاهای موازی اما نابرابر

محدودیت ها در زمین و آب همراه با کنترل شدید نیروی کار و فعالیت های کارآفرینی در کرانه غربی شامل بخش شرقی اورشلیم در غزه و نیز ناحیه اشغالی جولان در سوریه به درجات گوناگون ادامه می یابد تا هر گونه تلاش برای تعامل سالم اقتصادی و اجتماعی را بی اثر کند. نه کارگران و نه کارآفرینان نمی توانند در کار شایسته ورود پیدا کرده و اجرای کامل اصول و حقوق بنیادین کار همچنان مغفول مانده است. شکست های پیاپی

روند سیاسی صلح و هزینه های سنگین اقدامات امنیتی، فضا را برای پیشرفت اقتصادی بسیار محدود کرده است. در نتیجه، وضعیت تأثیربار و متشنجی پدید آمده است که در آن از تبدیل شدن ریسک ها به توهمات وعده داده می شود و تحت آن شرایط کارگران و کارفرمایان مجبورند سعادت خود را در هزارتویی از تناقض جستجو کنند که غالباً در آستانه وضعیتی غیر قابل تحمل قرار دارد.

افرادی که در حد و اندازه ابتدایی برای امرار معاش خود و خانواده خود تلاش می کنند، به اجبار باید پیوسته با دنیاهای موازی رقابت و هموردی کنند. واقعیت اشغالگری برای کارگران اراضی اشغالی فلسطین و نیز جولان اشغالی سوریه، جدایی و تفرقه بین گروه های شهروندی، کارگران و کارآفرینان را تقویت می کند. برخی واقع گرایان می توانند امیدوار باشند که بخت و اقبال فردی و جمعی را می توان به گونه ای پایدار با توسعه و وعده های اسرائیل برای بهبود اقتصادی پیوند زد. اما این یک مدل بلند مدت برای توسعه نیست. بلکه این یک دنیای دوگانه با الگوهای بیش از پیش خشن و ستیزه جویانه سلطه و وابستگی است.

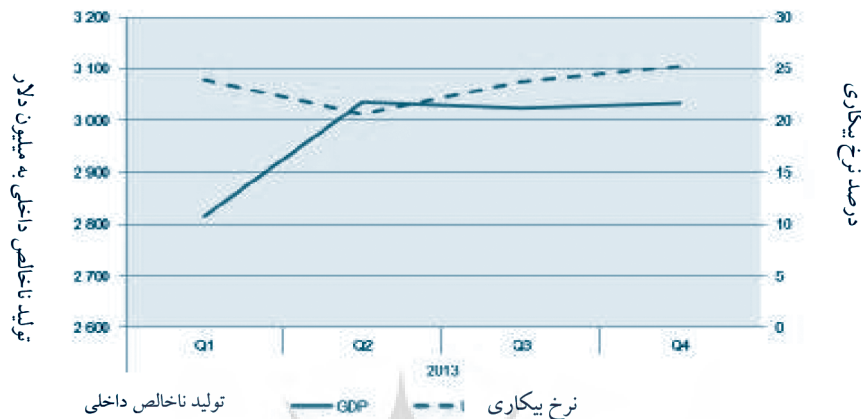
توسعه فلج شده، بازارهای کار بحران زده و اشغال همه جانبه

پیش از سال ۲۰۱۲، اقتصاد فلسطین شاهد سه سال رشد بالای تولید ناخالص داخلی بود که محرک آن، رونق فعالیت های ساخت و ساز در غزه به دلیل فراهم شدن امکان قاچاق مصالح ساختمانی و دیگر کالاها از طریق تونل های زیر خط مرزی با مصر بود. اما این رشد ناپایدار از اساس با نقصان و کاستی همراه بوده چرا که سرانه واقعی تولید ناخالص داخلی به طرز قابل توجهی پایین تر از سطح خود در سال ۱۹۹۹، یعنی شروع انتفاضه دوم، باقی مانده است. بحران مالی طولانی ناشی از کمک های ناکافی کشورهای یاریگر، درآمدهای کمتر از میزان پیش بینی از محل ترخیص کالا از گمرک های اسرائیل و برخی محدودیت های اعمال شده بر تجارت تونلی و گذرگاهی به کاهش سرعت رشد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۲ منجر شد. این روند در سال ۲۰۱۳ بیش از پیش رو به وخامت گذارد.

روند مثبت اولیه رشد بین سه ماهه اول و دوم سال ۲۰۱۳ ناشی از آزادکردن درآمدها از محل ترخیص کالا از گمرک اسرائیل، افزایش کمک کشورها به دلیل از سرگیری مذاکرات صلح و رشد پروژه های ساخت و ساز در غزه در نیمه دوم سال پایدار نماند. رشد بیشتر اقتصادی به دلیل عدم حذف همه جانبه محدودیت رفت و آمد و دسترسی (و) در نتیجه عدم توسعه فعالیت های اقتصادی) با مانع روبرو شد و این وضعیت، با عدم اطمینان سیاسی و صرفه جویی های مالی تشدید شد. علاوه بر این، دولت جدید مصر که در جولای ۲۰۱۳ روی کار آمد، اقدامات به مراتب جامع تری برای بستن تونل ها به عمل آورد، اما این وضعیت با هیچ گونه رشد ملموس تجارت مجاز از طریق گذرگاه های رسمی مطابقت نداشت و در نتیجه محاصره غزه به طور واقعی تقویت

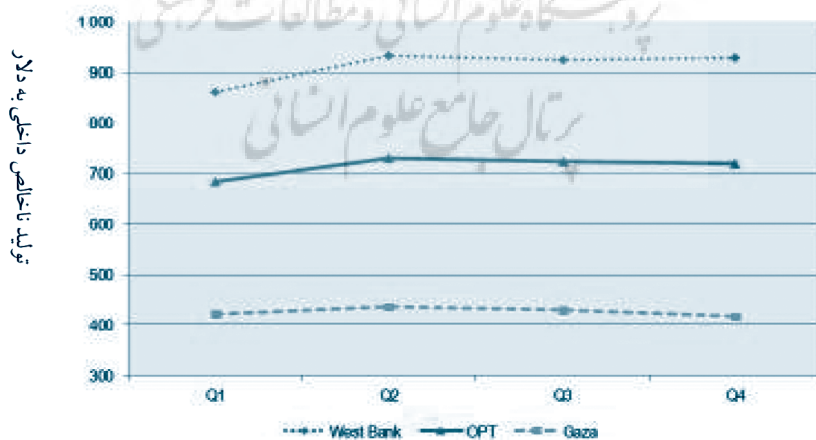
شد. به دنبال این شرایط، رشد واقعی تولید ناخالص داخلی صرفاً ۲ درصدی در سال ۲۰۱۳ به ثبت رسید. نرخ بیکاری که با رشد تولید ناخالص داخلی (نمودار ۱) رابطه معکوس نشان می دهد، از ۲۳ درصد در سال ۲۰۱۲ به ۲۵/۲ درصد در سه ماهه چهارم سال ۲۰۱۳ افزایش یافت.

نمودار ۲ - تولید ناخالص داخلی واقعی سه ماهه (قیمت های ثابت در سال ۲۰۱۰) و بیکاری، ۲۰۱۳



رکود رشد تولید ناخالص داخلی بیش از گذشته در رشد ناچیز سرانه واقعی تولید ناخالص داخلی در طول سال ۲۰۱۳ بازتاب یافته است. سرانه واقعی تولید ناخالص داخلی در شرایط قیمت های ثابت سال ۲۰۱۰ در رقم ۲۸۵۵ دلار ایستاد که از رقم ۳۶۴۷ دلار کرانه غربی و ۱۷۰۶ دلار غزه به دست آمده است. نابرابری بین کرانه غربی و غزه شدید ارزیابی می شود که نسبت به سه ماهه اول سال پس رفت داشته و صرفاً ۴۵ درصد درآمد سرانه در کرانه غربی بوده است. (نمودار ۲)

نمودار ۲ - سرانه واقعی تولید ناخالص داخلی ۲۰۱۳ در شرایط قیمت های ثابت سال ۲۰۱۰



ظرفیت محدود بهره وری در اقتصاد فلسطین، که تحت اشغالگری با محدودیت های بیشتری روبرو شده، در ترکیب بخشی تولید ناخالص داخلی (جدول ۱) نشان داده شده است. محدودیت ها در دسترسی به زمین و منابع طبیعی

به سیر نزولی بخش های مولد کشاورزی و صنعت انجامیده است. در مجموع، دو بخش روی هم رفته فقط در یک پنجم تولید ناخالص داخلی سال ۲۰۱۳ سهم داشته اند که با سهم بیش از یک سوم از تولید ناخالص داخلی در سال ۱۹۹۴ مقایسه شده است. کشاورزی که تنها ۳/۷ درصد در تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۳ نقش داشته، ۱۰/۵ درصد اشتغال را عهده دار بوده است که به ویژه حاکی از پایین بودن بهره وری کشاورزی است. بخش خدمات از نظر تولید ناخالص داخلی و اشتغال، سهم عمده ای از اقتصاد رابه خود اختصاص می دهد، در حالی که بخش بازرگانی و ساخت ساز نیز طی سال های اخیر بارشد قابل ملاحظه ای روبرو بوده اند. عده کثیری از زنان شاغل (۵۹/۴ درصد) در بخش خدمات و (۲۰/۸ درصد) در بخش با بهره وری پایین کشاورزی فعال بوده اند.

جدول ۱- ترکیب بخشی تولید ناخالص داخلی و اشتغال، ۲۰۱۳

سهم در اشتغال (به درصد)				
زن	مرد	جمع کل	درصد سهم در تولید ناخالص داخلی	
۲۰/۸	۸/۵	۱۰/۵	۳/۷	کشاورزی، ماهیگیری و جنگلداری
۹/۹	۱۲/۶	۱۲/۲	۱۶/۳	تولید و ساخت، معدن و استخراج معادن
۰/۲	۱۸/۶	۱۵/۶	۱۱/۱	ساخت و ساز
۸/۴	۲۱/۹	۱۹/۶	۱۹/۳	بازرگانی، رستوران و هتل داری
۱/۳	۷/۵	۶/۴	۷/۴	حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات
۵۹/۴	۳۱/۰	۳۵/۷	۴۲/۲	خدمات و سایر رشته ها
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	جمع کل

منبع: حساب های ملی و نظر سنجی نیروی کار

کمک کشورهای باریگر برای حفظ و رونق دولت فلسطینی حیاتی است. حمایت های بودجه ای، به جای مصارف توسعه ای و سرمایه گذاری که می توانست در تقویت ظرفیت مولد اقتصاد مؤثر باشد، به طور عمده برای تأمین هزینه های جاری، از جمله دستمزدها، حقوق و مستمری های بازنشستگی و نقل و انتقالات مورد استفاده قرار می گیرد. کمک های سال ۲۰۱۳ شامل ۳۰ تا ۴۰ درصد افزایش تخمینی حمایت های مستقیم بودجه ای نسبت به رقم به دست آمده در سال ۲۰۱۲ بود. با این وجود، شکاف عظیم در تأمین هزینه های ناشی از سطح بالای تأمین مالی بانکی و تجمیع بسیاری از معوقات خالص، همراه با بدهی های عمومی بالغ بر حدود ۴۰ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۳ همچنان به قوت خود باقی است. این مدل مالی بی ثبات، وابستگی شدیدی به کمک کشورها ایجاد کرده و پایداری بلند مدت نهادهایی که دولت فلسطینی به عنوان زیر بنای کشور فلسطین برپا کرده است را سست می سازد.

تحولات بازار کار

جمعیت ۱۵ سال و بالاتر فلسطینی و کل نیروی کار فلسطین در سال ۲۰۱۳ به ترتیب تا ۳/۶ و ۳/۷ درصد رشد داشته است. این رشد به ویژه از نرخ کلی ثابت ۴۳/۶ درصدی مشارکت نیروی کار (جدول ۲،۲) ناشی می شود. این نرخ ۱۷/۳ درصدی به خصوص در اثر میزان اندک مشارکت زنان (حتی نسبت به استانداردهای منطقه ای) در سطح پایینی قرار دارد که با نرخ ۶۹/۳ درصدی مشارکت مردان مقایسه شده است. معیارهای اجتماعی و فرهنگی، تقاضای پایین نیروی کار در اقتصاد رسمی، موانع سازمانی و محدودیت های وضع شده از طرف اسرائیل برای رفت و آمد و دسترسی افراد دست به دست هم داده اند تا جمعیت کثیری از بانوان را خارج از بازار کار نگاه دارند. با عنایت به سطح نسبتاً بالای تحصیلی زنان، این پدیده نشان از فقر قابل توجه پتانسیل های اقتصادی منطقه دارد.

نرخ کلی بیکاری به ۲۳/۴ درصد افزایش یافته چرا که تعداد کل بیکاران از ۲۵۶۰۰۰ در سال ۲۰۱۲ به ۲۷۰۰۰۰ در سال ۲۰۱۳ با نرخ ۵/۶ درصد رشد داشته است. نرخ بیکاری مردان در عدد ۲۰/۶ درصد قرار دارد در حالی که این نرخ برای زنان ۳۵/۱ درصد است. این نرخ اخیر حاکی از کمبود فرصت ها برای معدود زنانی است که وارد بازار کار می شوند. بیشترین افزایش نرخ بیکاری طی سه ماه آخر سال در غزه رخ داده چرا که اقتصاد تونلی، بدون اقدامات مناسب اسرائیل برای برداشتن محاصره، به طور واقعی از سوی مصر تعطیل شده است. صنایع ساختمانی و حمل و نقل غزه که عمدتاً به تجارت تونلی وابسته بودند، عملاً به حالت تعطیل درآمده است. در نتیجه نرخ بیکاری مردان از ۲۲/۷ درصد سه ماهه دوم سال به ۳۴/۸ درصد در سه ماهه چهارم افزایش یافت. نرخ بیکاری زنان برای سه ماهه چهارم در نرخ ۵۳/۴ در صد قرار گرفت که در طول سال به طور ثابت بالاتر از ۵۰ درصد بود. برای زنان، اندک فرصت های شغلی رسمی در غزه و خارج از حوزه عمومی مشاغل بهداشت و درمان و آموزش وجود دارد. در نتیجه، اکثر زنان حاضر در صحنه به عنوان نیروی کار، یا بیکار هستند یا به عنوان خدمتکار و مراقب مهد کودک به صورت غیر رسمی شاغلند یا در فعالیت های کشاورزی به عنوان کارگر بدون مزد به خانواده کمک می کنند.

جدول ۲- شاخص های بازار کار ۲۰۱۲-۱۳

۲۰۱۳/۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۳				۲۰۱۲	میانگین سال
		سه ماهه اول	سه ماهه دوم	سه ماهه سوم	سه ماهه چهارم		
جمعیت بالای ۱۵ سال	۲۵۵۸	۲۶۱۵	۲۶۳۸	۲۶۶۱	۲۶۸۴	۲۶۴۹/۵	۳/۶
نیروی کار	۱۱۱۴	۱۱۳۴	۱۱۳۳	۱۱۶۱	۱۱۹۴	۱۱۵۵/۵	۳/۷
اشتغال	۸۵۸	۸۶۲	۹۰۰	۸۸۶	۸۹۳	۸۸۵/۳	۳/۱
کرانه غربی	۵۱۹	۵۰۴	۵۲۳	۵۱۰	۵۳۲	۵۱۷/۳	-۰/۲
غزه	۲۵۶	۲۶۴	۲۷۹	۲۷۰	۲۵۴	۲۸۶/۸	۴/۱
اسرائیل و شهرک ها	۸۳	۹۳	۹۶	۱۰۳	۱۰۵	۹۹/۳	۱۹/۶
بیکاری	۲۵۶	۲۷۱	۲۳۴	۲۷۵	۳۰۱	۲۷۰/۳	۵/۶
نرخ مشارکت نیروی کار	۴۳/۶	۴۳/۴	۴۳/۰	۴۳/۶	۴۴/۵	۴۳/۶	-۰/۱
مرد	۶۹/۱	۶۹/۰	۶۸/۷	۶۹/۵	۷۰/۰	۶۹/۳	-۰/۳
زن	۱۷/۴	۱۷/۱	۱۶/۶	۱۷/۱	۱۸/۳	۱۷/۳	-۰/۷
نرخ بیکاری	۲۳/۰	۲۳/۹	۲۰/۶	۲۳/۷	۲۵/۲	۲۳/۴	۱/۵

مرد	۲۰/۶	۲۱/۲	۱۷/۶	۲۰/۳	۲۳/۱	۲۰/۶	۰/۰
زن	۳۲/۹	۵۳/۳	۳۳/۶	۳۷/۸	۳۳/۵	۳۵/۱	۶/۵
کرانه غربی	۱۹/۰	۲۰/۳	۱۶/۸	۱۹/۱	۱۸/۲	۱۸/۶	-۲/۰
مرد	۱۷/۳	۱۸/۶	۱۴/۹	۱۶/۸	۱۶/۹	۱۶/۸	-۳/۰
زن	۲۵/۴	۲۷/۴	۲۵/۱	۲۸/۲	۲۳/۲	۲۶/۰	۲/۵
غزه	۳۱/۰	۳۱/۰	۲۷/۹	۳۲/۵	۳۸/۵	۳۲/۵	۴/۸
مرد	۲۶/۸	۲۶/۳	۲۲/۷	۲۶/۹	۳۴/۸	۲۷/۷	۳/۵
زن	۴۹/۹	۵۱/۶	۵۰/۴	۵۶/۷	۵۳/۴	۵۳/۰	۶/۲

با وجود حدود ۷۰ درصد جمعیت زیر ۳۰ سال فلسطین، جایگاه نیروی کار جوانان فلسطینی به خصوص با بی ثباتی مواجه است. گرچه می توان انتظار داشت که مشارکت جوانان در نیروی کار پایین تر خواهد بود، از آنجا که جوانان زمان بیشتری را صرف تحصیل می کنند، این نرخ به طرز فوق العاده ای در اراضی اشغالی فلسطین پایین است. در سال ۲۰۱۳، ۴۹ درصد مردان جوان سنین ۱۵ تا ۲۴ سال در نیروی کار مشارکت داشتند که این رقم با نرخ تنها ۸/۸ درصدی مشارکت زنان جوان قابل مقایسه است (جدول ۲، ۳). مشارکت نیروی کار جوان در کرانه غربی نسبت به غزه اندکی بالاتر است.

از بین آن دسته جوانانی که در جمع نیروی کار حضور دارند، ۳۸/۸ درصد بیکار بودند. نرخ بیکاری برای مردان جوان ۳۶/۹ درصد بود در حالی که برای زنان جوان بسیار بیشتر و حدود ۶۴/۷ درصد بوده است. در مورد خاص غزه، این نرخ ها با ۵۱/۸ درصد برای مردان جوان و به طرز عجیبی با نرخ ۸۶/۳ درصد برای زنان جوان ثبت شده است. فارغ التحصیلان جوان به خصوص از پدیده بیکاری متاثر شده اند. علاوه بر این، ۱۹/۳ درصد جوانان فلسطینی (شامل ۳۳/۱ درصد زنان جوان) خارج از جرگه نیروی کار قرار داشته و اشتغال به تحصیل نیز نداشتند. این نرخ ها گویای بحران فزاینده اشتغال جوانان است. این سطح بسیار پایین بهره وری نیروی کار و پتانسیل های مغفول اقتصادی، پیامدهای بسیار زیانبار بلند مدت برای چشم اندازهای آتی جوانان امروز به همراه دارد. لازم است به سرعت و از طریق اجرای سیاست ها و برنامه های هدفمند بازار کار، از جمله طرح های اشتغالزایی مستقیم، گسترش آموزش های حرفه ای، راهنمایی و مشاوره شغلی و حمایت از توسعه کسب و کار، برای جوانان سرمایه گذاری شود، در حالی که به طور همزمان، شرایط کار بهبود یابد. با محدودیت های مالی دائمی دولت فلسطینی، پتانسیل اشتغال در بخش عمومی رو به کاستی است، از این رو لازم است به بخش خصوصی اجازه داده شود برای گسترش و ایجاد مشاغل جدید وارد عرصه شود. این امر مستلزم رفع کامل و پایدار محدودیت های اسرائیل برای دسترسی فلسطینیان به منابع مولد و بازارهاست. این مهم همچنین ایجاد می کند که به منظور تسهیل تجارت و سرمایه گذاری، در روابط اقتصادی فلسطین با اسرائیل و دیگر نقاط جهان بازنگری و سازماندهی مجدد صورت پذیرد.

جدول ۳- جایگاه نیروی کار جوان (سنین ۱۵ تا ۲۴ سال) ۲۰۱۲-۱۳

۲۰۱۳		۲۰۱۲		جمع کل
زن	مرد	جمع کل	جمع کل	
۸/۸	۴۹/۰	۲۹/۳	۲۹/۶	درصد نرخ مشارکت نیروی کار جوان
۹/۱	۵۳/۲	۳۱/۷	۳۲/۴	کرانه غربی
۸/۲	۴۲/۳	۲۵/۵	۲۵/۳	غزه
۶۴/۷	۳۶/۹	۴۱/۰	۳۸/۸	درصد نرخ بیکاری جوانان
۵۲/۴	۲۹/۶	۳۲/۸	۳۰/۹	کرانه غربی
۸۶/۳	۵۱/۸	۵۷/۲	۵۵/۱	غزه
۹۱/۲	۵۱/۰	۷۰/۷	۷۰/۴	درصد جوانان خارج از نیروی کار
۵۶/۱	۴۵/۰	۵۱/۴	۵۲/۰	درصد اشتغال به تحصیل
۳۳/۱	۶/۰	۱۹/۳	۱۸/۴	درصد عدم اشتغال به تحصیل

گذار از محیط مدرسه به کار

در سال ۲۰۱۳، سازمان مرکزی آمار فلسطین، نظر سنجی در مورد گذار از مدرسه به کار (SWTS) را انجام داد. این یک نظرسنجی از خانوار است که توسط سازمان بین المللی کار تدوین و بر جوانان سنین ۱۵ تا ۲۹ سال هدفگذاری شده است. هدف از انجام این نظر سنجی، شناسایی چالش های خاص اشتغال جوانان و حمایت از سیاست گذاران برای طراحی ابزارهای مناسب و کافی جهت حمایت از گذار جوانان به مرحله اشتغال است. یافته های اصلی این تحقیق در موارد زیر خلاصه شده است:

بسیاری از جوانان از نظام آموزش به طور کامل بهره مند نمی شود.

نرخ بیکاری جوانان فلسطینی، به خصوص زنان جوان، یکی از بالاترین اعداد در منطقه است و بیکاری بلند مدت بیش از نیمی از جوانان بیکار را تحت تأثیر قرار می دهد.

در حالی که بیکاری می تواند در بین افراد تحصیل کرده تر، بالاتر باشد، سرمایه گذاری در عرصه آموزش، نتایج مثبتی برای جوانان از نظر دستمزدها و دستیابی به مشاغل بهتر به بار خواهد آورد.

نرخ مشارکت نیروی کار جوان بسیار پایین است که نشان دهنده شکاف عمیق جنسیتی است.

خود اشتغالی یا به طور اصولی قانونمند نشده است یا گزینه ای مناسب برای اکثر جوانان به شمار نمی رود.

در حالی پرداخت دستمزد موضوع مهمی در کار است، سایر دغدغه های کیفیت شغلی وجود دارد که بر ظرفیت جوانان برای بروز حداکثری پتانسیل های اقتصادی آنان تأثیر می گذارد.

بازار کار جوانان به شدت تحت تأثیر مسائل جنسیتی است.

فقط سهم ناچیزی از جوانان فلسطینی (۲۲/۶ درصد) موفق به گذار به بازار کار و دستیابی به اشتغال با ثبات و یا رضایت بخش شده اند. تقریباً

نیمی از این جوانان (۴۵/۶ درصد) این مرحله گذار را آغاز نکرده اند و ۳۱/۸ درصد در مرحله گذار درجا می زنند.

جنسیت، منطقه سکونت و میزان تحصیلات از جمله عوامل تعیین کننده است که نشان می دهد چه کسی عملکرد بهتری در گذار به بازار کار از خود نشان می دهد.

گذار مستقیم مرجح است اما برای افرادی که به اشتغال با ثبات یا رضایت بخش به عنوان تجربه اول خود موفق نمی شوند، دوره گذار طولانی است.

منبع: موسسه صادق، "گذار زنان و مردان جوان به بازار کار در اراضی اشغالی فلسطین"، مجموعه انتشارات کار برای جوانان سازمان بین المللی کار

کل میزان اشتغال به ۳/۱ درصد در سال ۲۰۱۳ افزایش یافته که از نرخ رشد نیروی کار کمتر است. نرخ کلی اشتغال، که از نظر کل اشتغال به عنوان درصد جمعیت ۱۵ سال و بالاتر اندازی گیری شده، اندکی از ۳۳/۸ درصد در سه ماهه چهارم سال ۲۰۱۲ به ۳۳/۳ درصد در سه ماهه چهارم ۲۰۱۳ کاهش یافته است. نرخ اشتغال مردان در پایان سال ۲۰۱۳ رقم ۵۳/۸ درصد را نشان می دهد که با نرخ ۱۲/۲ درصد برای زنان مقایسه شده است. در حالی که اشتغال کامل در کرانه غربی در سال ۲۰۱۳ به میزان ۰/۲ درصد پس رفت نشان می دهد، اشتغال فلسطینیان در اسرائیل و شهرک ها با نرخ ۱۹/۶ درصد رشد چشمگیری را تجربه کرده است. تا سه ماهه آخر سال ۲۰۱۳، رقم تخمینی ۱۰۵۰۰۰ فلسطینی از کرانه غربی در اسرائیل و شهرک ها به کار مشغول شده اند. بازار کار اسرائیل از آوریل ۲۰۰۶ به این سو، برای فلسطینیان منطقه غزه محدودیت هایی را اعمال کرده است.

اشتغال فلسطینیان کرانه غربی در اسرائیل همچنان به صورت نظام سهمیه ای و صدور مجوز، قانونمند می شود. این افراد گواهی عدم سوء پیشینه دریافت نموده و یک کارت شناسایی مغناطیسی با خود همراه دارند. دیگر معیارها نیز اعمال می شود. در سال ۲۰۱۳، محدودیت حداقل سن برای کسب مجوز کار از ۲۶ به ۲۴ سال کاهش یافت، اما متقاضیان باید متاهل و صاحب فرزند باشند. بنابر این اشتغال در اسرائیل گزینه مطلوب بسیاری از گروه های جوان فلسطینی نیست. بنا به اعلام اداره هماهنگی فعالیت های دولت اسرائیل در اراضی (COGAT)، در سال ۲۰۱۳، تعداد ۵۰۰۰ مجوز بیشتر برای کارگران بخش ساخت و ساز تخصیص یافت و در سهمیه مجوزها، امکان اقامت شبانه در اسرائیل از ۷۰۰۰ به ۱۰۰۰۰ نفر افزایش یافت. در نتیجه، تا مارس ۲۰۱۴، کل سهمیه مجوزهای کار در اسرائیل به ۴۸۲۵۰ مورد بالغ شد که از این تعداد، ۴۵۰۰۷ مجوز عملاً صادر گردید. تعداد ۲۴۹۸۶ مجوز بیشتر برای کار در شهرک ها صادر شد. این بدان معنی است که تعداد تخمینی ۳۵۰۰۰ فلسطینی بدون داشتن مجوز، از طریق مجاری غیر قانونی و غالباً با در نظر گرفتن ریسک های بسیار مترتب بر آن، در بازار کار اسرائیل مشغول کار هستند. این افراد به خصوص در مقابل استثمار و روش های سود جویانه آسیب پذیر هستند.

اکثر فلسطینیان شاغل در اسرائیل در بخش ساخت و ساز، و پس از آن در بخش های تولیدات صنعتی، بازرگانی و کشاورزی فعالیت می کنند. کمبود مسکن در اسرائیل به معنای آن است که تقاضا برای کارگران ساختمانی همچنان رو به رشد است. در حالی که بخشی از این تقاضا با استفاده از کارگران خارجی تأمین می شود، فرصت های بیشتر می تواند برای فلسطینیان ایجاد شود. جریان نیروی کار فلسطینی، در نبود ظرفیت جذب بیشتر اقتصاد فلسطین، بازار فروش و منبع مهم درآمد محسوب می شود. هرچند، این نیروی کار نمی تواند جایگزینی برای فراهم آوردن امکان توسعه زیرساخت های مولد فلسطینی محسوب شود.

دستمزدها و قیمت ها

دستمزدهای واقعی سال ۲۰۱۳ رشد اندکی را در بخش عمومی و حتی اندک نزولی را در بخش خصوصی کرانه غربی و غزه نشان می داد. میانگین دستمزد بخش خصوصی در غزه ۴۳/۳۰ شیکل اسرائیل است که حتی به نصف دستمزد در کرانه غربی هم نمی رسد. در همین حال، میانگین دستمزد ۱۷۵/۴۰ شیکل دریافتی کارگران فلسطینی در اسرائیل و شهرک ها، تقریباً ۲/۲ برابر دستمزد دریافتی در بخش خصوصی کرانه غربی است (جدول ۲،۴). انگیزه دستمزد بالاتر، تحمل سختی رفت و آمدهای طولانی، پر هزینه و غالباً طاقت فرسای هر روزه بیش از ۱۰۰۰۰۰ کارگر فلسطینی برای رسیدن به محل کار در اسرائیل و شهرک ها را توجیه می کند.

جدول ۲،۴- میانگین اسمی و واقعی دستمزدها و قیمت ها، ۲۰۱۳

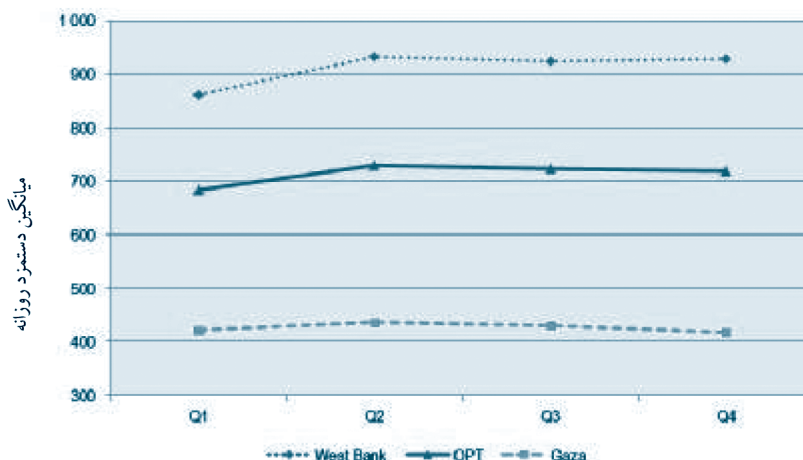
غزه	کرانه غربی	
		میانگین دستمزد روزانه، ۲۰۱۳
۸۲	۱۰۲/۲	بخش دولتی
۴۳/۳	۸۱/۲	بخش خصوصی
-	۱۷۵/۴	اسرائیل و شهرک ها
		درصد تغییر واقعی دستمزدها ۲۰۱۳/۲۰۱۲
۴/۵	۰/۱	بخش دولتی
-۳/۷	-۰/۹	بخش خصوصی
-	۳/۷	اسرائیل و شهرک ها
-۰/۷۶	۳/۱	درصد شاخص قیمت مصرف کننده ۲۰۱۳

منبع: نظر سنجی نیروی کار و داده های شاخص قیمت مصرف کننده (۲۰۱۴)

حداقل دستمزد فلسطینیان در ماه ۱۴۵۰ شکل ، به عبارت ۶۵ شکل در روز و ۸/۵۰ شکل در ساعت است که از اول ژانویه ۲۰۱۳ به اجرا درآمد. طبق آمار ارائه شده از طرف PCBS در سه ماهه چهارم سال ۲۰۱۳، تعداد ۱۰۶۵۰۰ کارگر مزدبگیر در بخش خصوصی (به استثنای کارگران در اسرائیل و شهرک ها) کمتر از حداقل دستمزد ماهانه دریافت می کردند. این دستمزد به ۱۹/۱ درصد کارگران بخش خصوصی، شامل ۱۱/۲ درصد کارگران در کرانه غربی و ۴۲/۶ درصد در غزه تعلق می گرفت. سازو کارهای انطباق بیشتر با حداقل دستمزدها، به ویژه برای بخش های با دستمزدهای پایین از جمله بخش خدمات، کودکیاری، آرایشگری، نساجی و کشاورزی، همچنان باید طراحی شود. اینها بخش هایی هستند که بیشترین تمرکز تعداد اشتغال بانوان را به خود اختصاص داده اند.

شکاف عمیق جنسیتی همچنان در زمینه دستمزدها وجود دارد چرا که میانگین دستمزد روزانه دریافتی زنان در بخش خصوصی کرانه غربی به تنها ۷۶ درصد دستمزد دریافتی هم‌تایان مرد آنان بالغ شده و به میزان ۶۴/۳۰ شکل اسرائیل اندکی کمتر از حداقل دستمزدها بوده است (نمودار ۲،۳). زنان شاغل در اسرائیل و شهرک ها همچنین توقع دریافتی های کمتری نسبت به مردان دارند، تا حدی به این دلیل که اکثر مردان در بخش ساخت و ساز فعالیت دارند که حداقل دستمزد این بخش (۵۰۰۰ شکل) بالاتر از حداقل دستمزد در سطح ملی اسرائیل (۴۳۰۰ شکل) است. میانگین دستمزدهای روزانه زنان در غزه به دستمزدهای روزانه مردان نزدیک تر است چرا که تعداد زنان شاغل در بخش دولتی بسیار پایین است.

نمودار ۳- ۲۰۱۳ - میانگین دستمزدهای روزانه به تفکیک محل و جنس



تورم سال ۲۰۱۳، طبق اندازه گیری شاخص قیمت مصرف کننده فلسطینی، به ۱/۷۲ درصد کاهش یافت که با رقم ۲/۷۸ درصدی سال ۲۰۱۲ مقایسه شده است. پس از بالاترین نرخ تورم تجربه شده در کرانه غربی، یعنی ۳/۱ درصد، تورم در شرق اورشلیم با نرخ ۱/۸۱ درصد قابل ذکر است. تورم در غزه با رقم ۰/۷۶ درصد ثبت شده چرا که اکثر کالاهای مصرفی از نظر اسرائیل مجاز هستند در حالی که فعالیت های اقتصادی به دلیل تداوم ممنوعیت مواد خام و تعطیلی تونل ها از رونق افتاده است.

در مجموع، افزایش قیمت ها در اجناس فرعی چون سیب زمینی (۴۳/۵۷ درصد)، سبزیجات خشک (۳۱/۸۹ درصد)، تخم مرغ (۱۶/۲۵ درصد)، سیگار (۱۲/۴۹ درصد) و هزینه تحصیل (۶/۹۵ درصد) بالاترین رقم ها را نشان می دهد. افزایش قیمت مواد غذایی، بیشترین تأثیر را بر خانوارهایی دارد که در زیر یا نزدیک خط فقر زندگی می کنند. در شرایط سیر نزولی درآمدها، چنین افزایش هایی می تواند تأثیر مخربی بر سطح امنیت غذایی داشته باشد. در سال ۲۰۱۲، ۳۴ درصد خانوارهای فلسطینی، یعنی بالغ بر ۱/۵۷ میلیون نفر، در شرایط عدم امنیت غذایی به سر می بردند. طبق گزارش سال ۲۰۱۳ سازمان خواروبار و کشاورزی، عدم امنیت غذایی به طور مستقیم بر ۱۹ درصد خانوارهای کرانه غربی و ۵۷ درصد خانوارها در غزه تأثیر منفی برجای گذارده است. رشد نامنی غذایی در بین فلسطینیان، به جای آنکه در اثر کمبود مواد غذایی باشد، محصول مستقیم شرایط نامناسب اجتماعی-اقتصادی از جمله نزول درآمدهای واقعی و صعود نرخ بیکاری است.

موانع توسعه اقتصادی در کرانه غربی

در حالی که سهولت نسبی رفت و آمد درون کرانه غربی در سال ۲۰۱۲ حاصل شد، هیچگونه محدودیت زدایی واقعی در سال ۲۰۱۳ مشاهده نگردید. توسعه اقتصادی به واسطه سیستم چند لایه محدودیت های رفت و آمد و دسترسی فلسطینیان، که در آن موانع فیزیکی با رژیم صدور مجوزهای پیچیده و نظارتی در هم آمیخته شده، با کندی مواجه شده است. موانع فیزیکی جابجایی فلسطینیان در سال ۲۰۱۳ علاوه بر دیوار حائل کرانه غربی، ۵۹ ایست بازرسی نظامی ثابت و ۲۵ ایست بازرسی موقت با زیرساخت های دائمی اما نیروی مستقر غیر رسمی، و صدها موانع جاده ای، خاکریزها، سنگرها و دروازه ها را شامل می شدند. برخی از ایست های بازرسی، از جمله ایست ها در مسیر دیوار حائل، بیش از پیش مستحکم شده اند در حالی که در سال ۲۰۱۳، ۲۴۳ ایست بازرسی نامنظم یا به اصطلاح "پروازی" در ماه به ثبت رسیده است. تکه تکه شدن کرانه غربی نیز در شبکه جاده ای موسوم به fabric of life کاملاً مشهود

است و هدف آن برقراری ارتباط حمل و نقل با فلسطینیان به جای تداوم اراضی بوده که به قطع مسیرهای سنتی و نابودی هر چه بیشتر زمین ها کمک کرده است.

حدود ۶۲ درصد مسیر ۷۱۲ کیلومتری در امتداد دیوار حائل، تا ماه جولای سال ۲۰۱۳ تکمیل شد و ۱۰ درصد دیگر آن در حال ساخت است. به جای دنبال کردن خط آتش بس سال ۱۹۴۹ (موسوم به خط سبز)، ۸۵ درصد مسیر موانع از داخل کرانه غربی می گذرد و ۹/۴ درصد کرانه غربی و از جمله بخش شرقی اورشلیم را در انزوا قرار می دهد. بیش از ۸۵ درصد جمعیت شهر نشین اسرائیل بین موانع و خط سبز سکنی گزیده اند. این منطقه که به عنوان "منطقه اتصال" (seam zone) شناخته می شود، محل سکونت حدود ۱۱۰۰۰ فلسطینی است و زمین های کشاورزی بسیار و منابع فراوان آب را در خود جای داده است. فلسطینیانی که در این منطقه اتصال زندگی می کنند نیازمند مجوزهای خاص برای زندگی در منازل خود هستند. این در حالی است که کشاورزان برای دسترسی به زمین های خود از طریق ۷۴ دروازه کشاورزی در مسیر موانع که ۵۲ مورد آن صرفاً در موسم برداشت زیتون گشوده می شود، باید از مجوزهای لازم برخوردار باشند. از هنگام ساخت موانع، دسترسی به زمین های کشاورزی در منطقه اتصال به شکل فزاینده ای محدود شده است.

دسترسی به منطقه C، که در قلمرو کامل نظامی و غیر نظامی اسرائیل واقع شده، برای توسعه اقتصادی فلسطینیان از اهمیت حیاتی برخوردار است. بیش از ۶۰ درصد کرانه غربی در منطقه مذکور قرار گرفته و بخش عمده منابع طبیعی آن در این منطقه واقع شده است. شوراهای منطقه ای شهرک های اسرائیلی، ۷۰ درصد منطقه C را در بر می گیرد و آن را از محدوده کاربری و توسعه فلسطینیان خارج می سازد. ساخت و ساز فلسطینیان در ۲۹ درصد از ۳۰ درصد باقیمانده از اراضی این منطقه به شدت با محدودیت روبروست و در واقع کمتر از ۱ درصد منطقه C از طرف سازمان مدیریت کشوری اسرائیل برای توسعه فلسطینیان برنامه ریزی شده است.

توسعه بخش خصوصی در مقیاس وسیع، همانگونه که در ابتکار اقتصادی پیشنهادی در ارتباط با روند صلح مد نظر بوده، مستلزم دسترسی به منطقه C است. پروژه های سرمایه گذاری بلند مدت تحت حمایت کشورهای کمک کننده از جمله پارک های صنعتی در جنین، بیت الهم و جریکو، در مجاورت گذرگاه های تجاری با اسرائیل و اردن، نیازمند زمین و دسترسی به جاده هایی در منطقه C است. دریافت مجوز توسعه و عمران و زیر ساخت های مربوط به آنها با سال ها مذاکرات دنبال دار با مقامات اسرائیلی همراه است که برخی جزییات همچنان حل نشده باقی مانده است. همچنین، یک ابتکار بلند پروازانه بخش خصوصی برای ساخت شهر جدیدی در روایی، که بخش عمده آن در منطقه A در نزدیکی رام الله قرار دارد، با تأخیرهای

متعدد و صرف سرمایه های هنگفت سیاسی برای تأمین مجوزهای لازم جهت زیرساخت های مورد نیاز در منطقه C مواجه شده است. مجوز جاده اصلی دسترسی به شهر که به طول ۳/۸ کیلومتر در منطقه C امتداد دارد، باید هر ساله تجدید شود، در حالی که مجوز لازم برای اتصال روایی به سیستم های آبرسانی موجود اکنون چهار سال است که بلا تکلیف مانده است. مجوز ساخت تاسیسات تصفیه فاضلاب شهر در منطقه C در زمان انجام این ماموریت اعطاء نشده بود. هر چند عمران شهر در دست اقدام است، با پیش بینی تحویل فاز اول واحدهای مسکونی به خریداران در سال ۲۰۱۴، معضلاتی نظیر این باید مورد بررسی قرار گیرد که آیا چنین اقداماتی در نهایت و در بلند مدت ظرفیت های لازم را دارند. روند طولانی، پرهزینه و نامطمئن مذاکرات همراه با نتایج ناپایدار آنها، ریسک بسیار بزرگی برای سرمایه گذاران بالقوه در فلسطین به شمار می رود. شاید جای تعجب نباشد که سرمایه گذاری خصوصی در طول هفت سال گذشته، فقط حدود ۱۵ درصد تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده که طبق استانداردهای

بین المللی بانک جهانی در سال ۲۰۱۳، نرخ بسیار پایینی است. در جدیدترین مطالعه بانک جهانی، مزایای اقتصادی بالقوه در اثر رفع محدودیت ها و فراهم کردن امکان توسعه اقتصادی فلسطین در منطقه C در بخش های کشاورزی، استخراج مواد معدنی از دریای سیاه، معادن سنگ و استخراج آنها، ساخت و ساز، گردشگری، مخابرات و مواد و لوازم آرایشی بهداشتی مورد بررسی قرار گرفته است. یافته های این تحقیق نشان می دهد که تنها مزایای مستقیم از محل بازده تولیدات بخش های مذکور به ۲/۲ میلیارد دلار در سال بالغ خواهد شد. حال اگر منافع غیر مستقیم را به این عدد اضافه کنیم، کل ارزش افزوده بالقوه به ۳/۴ میلیارد دلار یا ۳۵ درصد تولید ناخالص فلسطین در سال ۲۰۱۱ بالغ خواهد شد. همانگونه که در گزارش یاد شده آمده است، "در صورت عدم توانایی انجام فعالیت های اقتصادی هدفمند در منطقه C، فضای اقتصادی کرانه غربی پر جمعیت و در عین حال بازمانده از توسعه باقی خواهد ماند، در حالی که سکنه آن را مردمی تشکیل می دهند که تعاملات روزمره آنان با کشور اسرائیل با سختی، هزینه و نامیدی همراه است." (همان منبع، صفحه Xii)

دسترسی به بازارهای داخلی و خارجی نیز برای توسعه پایدار اقتصادی فلسطین ضروری است. هم اکنون پیوندهای تجاری بیشتر و بیشتری بین بخش های گوناگون اراضی اشغالی فلسطین در جریان است، اما در عین حال کرانه غربی، بخش شرقی اورشلیم و غزه دارای بازارهای محلی طبیعی برای یکدیگر هستند. تجارت کرانه غربی با دیگر نقاط جهان عمدتاً از اسرائیل و از طریق گذرگاه های بازرگانی در امتداد دیوار حائل انجام می شود. هر چند تجارت در سطوح بسیار پایین تر از اردن و از طریق پل آلنبی (شاه حسین) صورت می پذیرد. انبوهی از مقررات و شرایط تجارت علیه فلسطینیان وجود دارد در حالی که واردات کالاهای

واقعیت که کشمکش های مستقیم بین اسرائیل و شبه نظامیان غزه به شدت در سال ۲۰۱۳ کاهش یافت و به پایین آمدن تعداد تلفات در طول یک دهه انجامید، اما انسداد مرزهای غزه از طریق دریا و هوا که در ژوئن ۲۰۰۷ از سوی اسرائیل تحمیل شد، همچنان به قوت خود باقی است. این معضل در نیمه دوم سال ۲۰۱۳ با تلاش های دولت جدید مصر برای تعطیلی تونل های تحت مرز رفته شدت گرفت. هرچند فعالیت تونل ها با تجارت غیر قانونی، شرایط کاری مخاطره آمیز، جابجایی بخش مشروع خصوصی و درآمدهای گمشده دولت فلسطینی همراه بود، اما این گذرگاه ها همچنان به فعالیت های اقتصادی در شرایط محاصره ادامه می دادند.

قبل از تعطیلی تونل ها، این مرکز منبع اصلی مصالح ساختمانی ورودی به غزه بود، چرا که اسرائیل واردات چنین موادی را از طریق تنها گذرگاه بازرگانی باقی مانده در امتداد مرز کرم سلوم ممنوع کرده بود و تنها مقادیر محدودی مصالح ساختمانی برای مصرف در پروژه های مصوب در حال ساخت توسط سازمان های بین المللی مجوز ورود داشتند. در پی اعلام کشف یک تونل از غزه به اسرائیل توسط ارتش اسرائیل در اکتبر ۲۰۱۳، حتی واردات مصالح ساختمانی به حالت سکون درآمد و تنها در دسامبر ۲۰۱۳ به مقدار مختصر از سر گرفته شد. مقامات مصری نیز به صدور مجوز ورود مصالح ساختمانی مورد نیاز برای پروژه جاده سازی با سرمایه قطری از طریق مرز رسمی در رفته ادامه می دهند. در زمان انجام این مأموریت، این تنها پروژه ساختمانی واقعی در حال پیشرفت بود. توقف فعالیت های عمومی ساخت و ساز در غزه، آثار چندگانه منفی بسیاری در کل اقتصاد کشور برجای گذارده است.

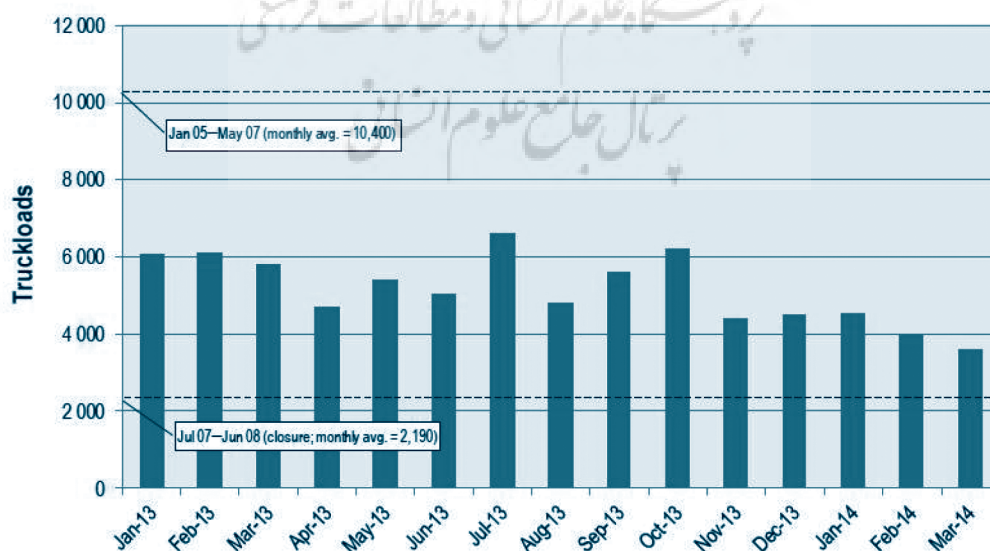
مصرفی به مراتب از میزان صادرات بیشتر است. واردات مواد خام همچنان محدود است و فهرستی از اقلام تحت عنوان "کاربرد دوگانه" به طور اکید اعمال می شود که دولت اسرائیل اجناس مذکور را به عنوان تهدید بالقوه امنیتی تلقی نموده و بدین گونه بهره وری و رقابت پذیری کسب و کارهای فلسطینی با چالش های جدی روبروست. رقابت پذیری صادرکنندگان نیز به دلیل اعمال سیستم معاملاتی پشت به پشت یا اتکائی، که هزینه ها را به شدت بالا می برد و در گزارش ۲۰۱۳ سازمان بین المللی کار نیز آمده، بیشتر از گذشته با مانع مواجه است.

در سال ۲۰۱۳، کلیه گذرگاه های بازرگانی در طول دیوار حائل برای کانتینری کردن صادرات فلسطین مجهز شده بودند. این امر موجب تسهیل حمل و نقل کالاهایی می شود که نیازمند سفرهای طولانی هستند. اما کانتینری شدن برای مقادیر اندک کالا به مقصد بازارهای اسرائیل مقرون به صرف نیست و کالاهای مذکور طبق محدودیت های شدید تحمیل شده باید برای صادرات از پالت استفاده کنند. کانتینری کردن کالاها هنوز در پل آلنسی در اردن اجرایی نشده است گرچه تخمین زده می شود که انجام این کار به کاهش هزینه ها، زمان و خسارات پل تا حدود ۲۰ تا ۳۰ خواهد انجامید. بهبود مسیرهای دسترسی تجاری از طریق اردن کاری بنیادین برای گشودن بازارهای بزرگ منطقه ای اعراب به کالاهای فلسطینی است.

اقتصاد زمین گیر با تسدید محاصره شش ساله غزه

در توافق آتش بس مورخ نوامبر ۲۰۱۲ به طور ویژه به موضوع بازشدن گذرگاه های مرزی به غزه اشاره شده است. علی رغم این

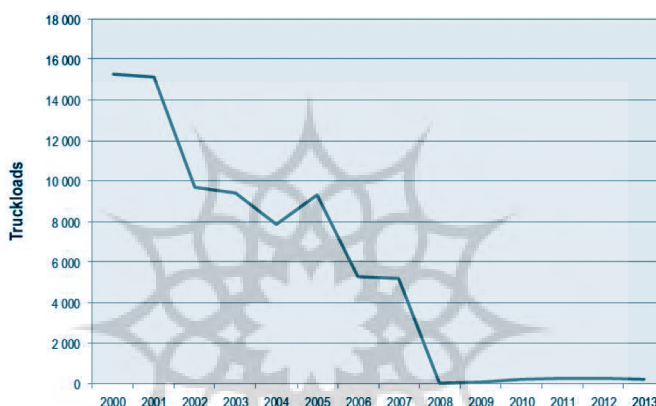
نمودار ۴- واردات غزه: میانگین ماهیانه محموله های کامیونی، ۱۴-۲۰۱۳



غالب کالاهای مصرفی را می توان از طریق گذرگاه کرم شلوم وارد نمود. این کار مستلزم اسناد اعتباری پشت به پشت یا اتکایی است و در منتهی الیه نقطه جنوبی غزه واقع شده که با هزینه های بسیار بالای حمل و نقل همراه است. احتمال چندانی برای بازگشایی این گذرگاه متصور نیست. این محل عبوری در چهار ماهه اول سال ۲۰۱۳ به مدت ۵۲ روز بسته شد. در سال ۲۰۱۳، میانگین ماهانه ۵۴۲۷ محموله کامیونی کالا از طریق کرم شلوم وارد غزه می شد که با میانگین ۴۷۸۴ محموله کالا در سال ۲۰۱۲ مقایسه شده است. این میزان تقریباً ۵۰ درصد کمتر از میزان پیش از محاصره است که بار دیگر در اواخر سال ۲۰۱۳ و اوایل ۲۰۱۴ سیر نزولی داشته است (نمودار ۲،۴). کاهش فعالیت های اقتصادی در غزه به کاهش قدرت خرید و تقاضای کمتر برای کالاهای مصرفی منتج می شود.

عملاً صادرات از غزه وجود خارجی ندارد. صرفاً ۱۸۲ محموله کالای کشاورزی در سال ۲۰۱۳ صادر شد که با ۲۵۴ محموله کالای سال ۲۰۱۲ و بیش از ۱۵۰۰۰ محموله سال ۲۰۰۰ یعنی قبل از شروع انتفاضه دوم مقایسه شده است (نمودار ۲،۵). در توافقنامه نوامبر ۲۰۰۵ در خصوص رفت و آمد و دسترسی فلسطینیان، موضوع ترافیک روزمره ۴۰۰ محموله کامیونی صادراتی از غزه تا سال ۲۰۰۶ آمده است اما این میزان هرگز محقق نشد. تعداد افرادی که می توانند برای مقاصد تجاری در هر روز مورد نظر وارد اسرائیل شوند نیز به شدت محدود شد.

نمودار ۵- صادرات غزه: کل محموله های کامیونی در سال، ۲۰۰۰-۱۳



ظرفیت مولد غزه به دلیل ممنوعیت برخورداری از زمین کشاورزی و آب های ماهیگیری هر چه بیشتر محدود می شود. ارتش اسرائیل نیز به اعمال منطقه حائل دسترسی ممنوع که به طور رسمی از ۳۰۰ متری مرز با اسرائیل آغاز می شود، ادامه می دهد، اما در عین حال ممنوعیت منطقه غیر رسمی خطر از هر طرف تا ۱/۵ کیلومتری دیوار حائل اعمال می شود که عملاً ۳۵ درصد زمین های کشاورزی غزه در منطقه ممنوعه قرار می گیرد. علاوه بر این، دسترسی بهتر تا ۳۰۰ متری منطقه رسمی حائل در سال ۲۰۱۳ در نظر گرفته شد که بنا به گزارش های دریافتی به طور نظامند اجراء نمی شود. محدودیت های ماهیگیری در ماه می ۲۰۱۳ از فاصله ۳ مایل به ۶ مایل دریایی اضافه شد که تا حدی فضای صیادی بیشتری را برای ۳۵۰۰ صیاد غزه فراهم می کند. هر چند این محدودیت افزایش یافت، اما هنوز فقط نیمی از ۱۲ مایل دریایی مورد مذاکره در توافقنامه ۲۰۰۲ برتینی است و تا محدودیت ۲۰ مایل دریایی تصریح شده در پیمان اسلو فاصله زیادی دارد. البته در مناطق دور دست تر دریا، ماهی های بزرگ تر و در نتیجه پر منفعت تر صید می شوند. تشدید کمبود انرژی و آب، مصائب اقتصادی غزه را دو چندان کرده است. پس از تعطیلی تونل ها، و با عدم جایگزینی سوخت یارانه ای مصر با واردات سوخت کافی از اسرائیل که قبلاً برای فعالیت نیروگاه برق غزه قاچاق می شد، کمبود مزمن برق در طول سال های اخیر وخیم تر شده است. اهالی غزه چیزی کمتر از هشت ساعت برق در روز دریافت می کنند که به افزایش تعداد ژنراتورهای بسیار آلاینده و اغلب خطرناک در خانواده هایی انجامیده که از عهده مخارج آنها بر می آیند. مضافاً بر اینکه، حدود ۳۰ درصد خانوارها فقط از شش تا هشت ساعت آب آشامیدنی هر چهار روز یکبار برخوردارند در حالی که بیش از ۹۰ درصد آب استخراجی از سفره آب غزه، برای مصارف انسانی سالم ارزیابی شده است. وخامت شرایط اجتماعی و اقتصادی به وابستگی تقریبی ۸۰ درصدی منتج گردیده است. در عین حال، کارگران غزه بیش از پیش کارگران غیر ماهر محسوب می شوند و تقویت روحیه کارآفرینی هر چه دشوارتر می شود. بدون توان واردات مواد و مصالح مورد نیاز برای ساخت و ساز و تولیدات صنعتی، یا بدون صدور محصولات غزه به کرانه غربی و شرق اورشلیم، و نیز اسرائیل و دیگر بازارهای خارجی، نه بخش خصوصی ویران غزه، و نه اقتصاد فلج شده غزه رنگ احیای واقعی را نخواهد دید. در نهایت، رفع محاصره باید انجام شود.